



doi 10.22059/JWICA.2022.348129.1829

Identifying the Concept and Components of Semi-Private Territories Related to the Territorial Behavior of Women in Public Spaces

Fatemeh Samipour¹ | Mostafa Pourali^{2✉} | Marzieh Kazemzadeh³

1. Department of Architecture, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran. Email: fati_samipour@yahoo.com
2. Corresponding author, Assistant Professor, Department of Architecture, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. Email: pourali.mostafa@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Architecture, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran. Email: marzie.kazemzade@yahoo.com

Article Info

Research Type:
Research Article

Received:
8 September 2022

Accepted:
11 November 2022

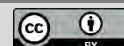
Keywords:
Public Spaces, Semi-Private Territory, Territory, Territorial Behavior, Women.

Abstract

Territorial behaviors are one of the most important and influential behaviors related to the environment and the use of it. Therefore, if the space is in accordance with these behaviors, it can lead to an increase in the quality of the environment and it makes them use it more and better. In line with the study of women's territorial behavior, the present research seeks to identify a concept called "semi-private territories" and achieve its characteristics in public spaces, which according to the research conducted and the hypothesis of the research, is compatible with the territorial behavior of women. It is also in line with women spatial preferences in public spaces. After conducting library studies and compiling the research literature, field studies have been used in a qualitative way using interview tools and contextual conversations to achieve the research goals. In fact, in order to explain the concept of semi-private territories and its characteristics, the opinions of various women in relation to their spatial preferences and territorial behavior in public spaces have been collected and analyzed. The qualitative analysis of the findings has been done in the form of coding and in the platform of Atlas.ti8 software. Regarding the findings of the study, with the study of women's territorial behavior, the concept of "semi-private territory" is defined. The semi-private territory is a territory that is neither completely private nor public, which, while being located in a public arena, has characteristics close to and similar to private territories, but has less public characteristics. These territories have characteristics such as: relative privacy and coziness, relative separation of space by visual and non-visual limits and boundaries, reducing the amount of access to the space compared to the public territory, etc, which is in accordance with the territorial behavior of women in public spaces and provides the necessary conditions for their presence in the space.

How To Cite: Samipour, Fatemeh, Pourali, Mostafa, & Kazemzadeh, Marzieh (2023). Identifying the Concept and Components of Semi-Private Territories Related to the Territorial Behavior of Women in Public Spaces. *Women in Culture & Art*, 15(2), 259-281.

Publisher: University Of Tehran Press.





فصلنامه زن در فرهنگ و هنر

سال ۱۵، شماره ۲
بهار ۱۴۰۲، ۲۵۹-۲۸۱



شناسایی مفهوم و مؤلفه‌های قلمروهای شبه‌خصوصی در ارتباط با رفتار قلمروی زنان در فضاهای عمومی*

فاطمه سمیع پور^۱ | مصطفی پورعلی^۲ | مرضیه کاظم‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. رایانامه: fati_samipour@yahoo.com
۲. نویسنده مسؤل، استادیار گروه معماری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. رایانامه: pouralii.mostafa@yahoo.com
۳. استادیار گروه معماری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. رایانامه: marzie.kazemzade@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۲۹ مرداد ۱۴۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۳ آبان ۱۴۰۱</p> <p>واژه‌های کلیدی: رفتار قلمروی، زنان، فضاهای عمومی، قلمرو، قلمرو شبه خصوصی.</p>	<p>رفتارهای قلمروی یکی از رفتارهای مهم و تأثیرگذار در ارتباط با محیط و استفاده از آن محسوب می‌شوند؛ بنابراین تطابق این رفتارها با فضا می‌تواند به افزایش کیفیت محیط و استفاده بهتر از آن منجر شود. پژوهش حاضر در راستای مطالعه رفتار قلمروی زنان در فضاهای عمومی، در پی شناسایی مفهومی با عنوان «قلمروهای شبه‌خصوصی» و دستیابی به ویژگی‌های آن است که مطابق با پیش‌فرض پژوهش، سازگار با رفتار قلمروی زنان و با ترجیحات فضایی آنان در عرصه‌های عمومی هم‌راستا است. پس از مطالعات کتابخانه‌ای و تبیین ادبیات تحقیق، از مطالعات میدانی به روش کیفی و ابزار مصاحبه و گفت‌وگوهای زمینه‌ای برای رسیدن به اهداف تحقیق استفاده شد. در واقع به‌منظور تبیین مفهوم قلمرو شبه‌خصوصی و شاخص‌های آن، نظرات زنان با ویژگی‌های مختلف در ارتباط با ترجیحات فضایی و رفتار قلمروی آنان در فضاهای عمومی جمع‌آوری شد و تحلیل کیفی یافته‌ها به‌صورت کدگذاری و در بستر نرم‌افزار Atlas.ti8 انجام گرفت. براین‌اساس، با شناخت رفتار قلمروی زنان، مفهوم «قلمرو شبه‌خصوصی» به‌صورت قلمروی نه کاملاً خصوصی و نه عمومی تعریف شده است که ضمن قرارگیری در یک عرصه عمومی، با داشتن ویژگی‌هایی نزدیک به قلمروهای خصوصی و شباهت بیشتر به آنان، عمومیت کمتری دارد. این قلمروها ویژگی‌هایی دارند از قبیل خلوت و دنج‌بودن نسبی، جداسازی نسبی فضا با حدودمرزهای بصری و غیربصری، کاهش میزان دسترسی به فضا نسبت به قلمرو عمومی و... که در تطابق با رفتار قلمروی زنان در فضاهای عمومی است و شرایط مورد نیاز برای حضورشان را در فضا فراهم می‌کند.</p>
<p>استناد به این مقاله: سمیع پور، فاطمه، پورعلی، مصطفی و کاظم‌زاده، مرضیه (۱۴۰۲). شناسایی مفهوم و مؤلفه‌های قلمروهای شبه‌خصوصی در ارتباط با رفتار قلمروی زنان در فضاهای عمومی. زن در فرهنگ و هنر، ۱۵ (۲)، ۲۵۹-۲۸۱.</p>	
<p>ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران</p>	<p>پتانجام علوم انسانی</p>

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «قلمروهای شبه‌خصوصی و حضورپذیری بانوان در فضاهای جمعی غیررسمی» به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت است.

۱. مقدمه

در عصر حاضر، اگرچه حضور زنان به‌عنوان یکی از اقشار و گروه‌های اجتماعی، در فضاهای عمومی و جامعه افزایش یافته است، همچنان دلایل و عوامل مختلفی حضور و مشارکت اجتماعی آنان را در فضاهای عمومی محدود کرده و با مشکلاتی مواجه ساخته است. عوامل کالبدی و طراحی فضاها و همچنین هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی از این دست عوامل هستند (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۴). زنان خصوصیات بیولوژیک، نیازها، مسئولیت‌ها و نگاه‌های متفاوتی با مردان دارند که بر ارتباط آن‌ها با فضا تأثیر می‌گذارد و می‌تواند موجب رفتارهای محیطی متفاوتی شود. متأسفانه طراحی فضاهای عمومی موجود بدون توجه کافی به نیازهای زنان و ویژگی‌های رفتاری آن‌ها انجام شده است (تمدن، ۱۳۸۷: ۲۱) و این می‌تواند از عوامل محدودیت حضور زنان در عرصه‌های عمومی و جمعی باشد. در این راستا، رفتارهای قلمروی زنان به‌عنوان یکی از رفتارهای مهم و تأثیرگذار در ارتباط با محیط و استفاده از آن، در پژوهش حاضر مطالعه شده و در پی این مطالعه، مفهومی به نام «قلمرو شبه‌خصوصی» معرفی شده که قلمروی نیمه‌عمومی-نیمه‌خصوصی است که با شباهت بیشتر به قلمرو خصوصی و دارابودن عمومیت کمتر، متناظر با رفتار قلمروی زنان است.

بنابراین می‌توان گفت هدف از این پژوهش، شناخت رفتار قلمروی زنان در فضاهای عمومی و ارائه مفهوم و مؤلفه‌های قلمروهای شبه‌خصوصی در ارتباط با آن است تا زمینه لازم به‌منظور افزایش حضور زنان در فضاهای عمومی فراهم شود. در این فضاها بر آنیم که با ایجاد محیطی خانوادگی، هر کدام از دو جنس بتوانند در آن رشد کنند و شخصیت شهروندی خود را شکوفا سازند. به این ترتیب پرسش‌های تحقیق را به این صورت می‌توان مطرح کرد: ویژگی‌های فضایی منطبق بر رفتار قلمروی زنان در فضاهای عمومی کدام‌اند؟ قلمرو شبه‌خصوصی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ فرضیه‌های تحقیق نیز عبارت‌اند از: زنان در فضاهای عمومی به قلمروهای نیمه‌عمومی-نیمه‌خصوصی (شبه‌خصوصی) گرایش دارند. قلمروهای شبه‌خصوصی قلمروهایی هستند که نه کاملاً خصوصی‌اند و نه عمومی. آن‌ها با قرارگیری در یک عرصه عمومی، ضمن شباهت بیشتر به ویژگی‌های قلمروهای خصوصی، عمومیت کمتری دارند.

۲. پیشینه پژوهش

درباره موضوع پژوهش از جمله بحث قلمروها و رفتارهای قلمروی^۱ و همچنین مباحث مربوط به جنسیت، در داخل و خارج از کشور تحقیقات مختلفی صورت گرفته است که به تعدادی از آن‌ها

۱. منظور از رفتارهای قلمروی، انواع رفتارهای مرتبط با بحث قلمرو است، مانند تمایل به داشتن قلمرو و گرایش به آن (قلمروگرایی)، جست‌وجوی قلمرو و به دنبال آن بودن (قلمرویابی)، پاییدن قلمرو و نظارت بر آن (قلمروپایی) و

به‌عنوان پیشینه تجربی پژوهش اشاره می‌شود.

در بخش اول و در راستای بحث قلمرو و رفتارهای قلمروی، افراد متعددی دست به پژوهش زده‌اند. از آن جمله می‌توان به آلمن^۱ (۱۹۷۵) و لنگ^۲ (۱۹۳۸) اشاره کرد. انصاری و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی حس قلمرو و رفتار قلمروپایی در پارک‌های شهری (مطالعه موردی: پارک ساعی) پرداختند. مطابق نتایج، ایجاد حس قلمرو و مالکیت و تحریک رفتار قلمروپایی در شهروندان در فضاهای عمومی به‌ویژه پارک‌ها ضرورتی است که به افزایش کارایی و بهبود امنیت محیط می‌انجامد. عینی‌فر و آقالطیفی (۱۳۹۰) مفهوم قلمرو را در مجموعه‌های مسکونی مطالعه کردند. آن‌ها در مقاله خود به بررسی مفهوم قلمرو به‌منزله یکی از عوامل تأثیرگذار در کیفیت ارتباط انسان با محیط مسکونی پرداختند. عینی‌فر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «سیر تحول قلمروهای ثانویه در درون خانه‌های دزفول، با تأمل بر چیستی و وجوه قلمرو»، فهم دقیق قلمرو ثانویه در مسکن را مطالعه و آن را در خانه‌های شهر دزفول پیگیری کردند. جم و محمدی (۱۳۹۶) در مقاله «امنیت زنان و قلمروگرایی در محل‌های سنتی» مفهوم قلمرو را از دید زنان و مردان در نمونه‌ای از محله‌های سنتی تهران مطالعه کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که در میان زنان و مردان تفاوت فراوانی در میزان احساس امنیت براساس ابعاد کالبدی و محتوایی مؤلفه قلمروگرایی وجود دارد. با توجه به تغییرات ایجادشده در ساختار سلسله‌مراتبی محله‌های شهری، زنان حس مالکیت و قلمروگرایی کمتری نسبت به مردان دارند که این امر بر حضورپذیری آن‌ها در فضای محله‌ای اثر می‌گذارد.

در بخش دوم و مباحث مربوط به جنسیت، لل‌حج و موسوی (۱۳۹۷) در مقاله «نگرش روان‌شناختی به نقش جنسیت در قابلیت‌های ادراک فضای معماری» نحوه ادراک زنان و مردان از محیط مصنوع و فضای معماری را با توجه به عامل جنسیت و با تأکید بر عناصر بصری به‌وجودآورنده فضا در معماری بررسی کردند. نتایج حاکی از وجود ارتباط معنادار میان جنسیت و میزان ادراک عناصر بصری فضا است. پورحسین روشن و علی‌اکبری (۱۳۹۹) در کتاب *زنان، اتقیاد قدرت، شهر: راهنمای طراحی فضاهای شهری برای زنان*، به چیستی‌های ابعاد مؤثر بر حضور زنان در فضاهای شهری و همچنین ابعاد طراحی فضا برای بانوان پرداختند. آن‌ها با نگاهی اجمالی به ماهیت و تفاوت‌های فیزیولوژیکی زنان و مردان، کیفیت استفاده آنان از فضاهای شهری را تحلیل کردند. خرمی‌روز و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «خوانش مؤلفه‌های جنسیتی در طراحی مراکز خرید شهر تهران» ارتباط جنسیت و فضا را بررسی و با تبیین مؤلفه‌های برگرفته از جنسیت و تحلیل آنان در مراکز خرید، تعادل جنسیتی را در فضا مطالعه کردند. فنستر^۳ (۲۰۰۵) در مقاله «حق به شهر جنسیتی:

1. Altman, I.
2. Lang, J.
3. Fenster, T.

اشکال گوناگون تعلق به زندگی روزمره» مفهوم حق شهر لوفور، میزان توجه آن به روابط قدرت میان دو جنس و تأثیر این روابط در احقاق حق زنان نسبت به شهر را بررسی کرد. او منشأ نادیده گرفته شدن حق زنان در فضای شهری را نبود توازن در روابط جنسیتی در قلمرو خصوصی خانه می‌داند که به قلمروی عمومی تسری یافته است. بیبیجون^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه «جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره» بحث حق به شهر و حق زندگی روزمره را از حقوق اساسی زنان دانست که باید برنامه‌ریزان شهری مورد توجه قرار دهند. از نظر او، با وجود توجه برنامه‌ریزان به حق شهر در دهه‌های اخیر، حقوق زنان به‌ویژه تجارب روزانه آن‌ها به‌صورت مستقل و جداگانه بررسی نشده و در طراحی فضاهای شهری به آن بی‌توجهی شده است.

با بررسی پیشینه پژوهش، بحث رفتارهای قلمروی متأثر از جنسیت به‌عنوان یک خال تحقیقاتی از نظر محقق احساس شده است؛ درحالی که به نظر، جنسیت عامل تأثیرگذاری بر رفتارهای قلمروی افراد است؛ بنابراین نوآوری این پژوهش و ضرورت انجام آن، مطالعه رفتار قلمروی زنان در فضاهای عمومی به‌طور ویژه و معرفی قلمرو منطبق بر آن است.

۳. مبانی نظری

رفتار قلمروی و انواع قلمرو: هر موجود زنده‌ای به‌منظور انجام امور روزمره خود نیازمند محدوده فضایی است که فعالیت‌هایش را در آن انجام دهد، نسبت به آن احساس مالکیت کند و با حریمی، آن را از محدوده‌های مجاور جدا سازد. این فضای محافظت‌شده تحت عنوان «قلمرو» در معماری مورد توجه قرار می‌گیرد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳). قلمروگرایی به آن رفتارهایی اشاره دارد که فرد با استفاده از آن‌ها بر فعالیت‌هایی که در فضا رخ می‌دهند، اعمال کنترل می‌کند (برنون و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱۵). انسان به‌طور فطری با ایجاد قلمرو و جداکردن خود از دیگران، محدوده آسایشی برای خود تدارک می‌بیند. مفهوم قلمرو فقط موضوع فضایی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی نیز هست. در حقیقت قلمرو را می‌توان موقعیت و مکان یک اجتماع در فضا دانست (Lawson, 2002: 168). گفتنی است در مقابل، بسیاری از رفتارهای اجتماعی نیز دارای جنبه‌های قلمروگرا هستند که باید به‌صورت فضایی تعریف شوند و با توجه به مکان‌ها تغییر یابند. درواقع، قلمرو را می‌توان سازوکاری پشتیبان برای نیازهای اصلی زندگی مانند هویت، انگیزش و امنیت دانست. بنا بر تحقیقات متخصصانی مانند آردری^۲، قلمروپایی (به‌عنوان یک رفتار قلمروی) از نیازهای اصلی بیشتر موجودات است (همان)؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که نقشی اساسی در زندگی انسان دارد.

پژوهشگران مختلف انواع قلمروها را بر مبنای معیارهای متفاوت مشخص می‌کنند. از لحاظ ماهیت‌های گوناگون از جمله مقیاس‌های متفاوت قلمرو، سلسله‌مراتب دسترسی به قلمرو و مفهوم و

1. Beebejaun, Y.

2. Ardrey, R.

ویژگی‌های مختلف قلمرو، دسته‌بندی‌های متفاوتی از قلمروها ارائه شده است. در جدول ۱ انواع قلمروها طبق نظرات پژوهشگران مختلف و براساس ماهیت‌های گوناگون دسته‌بندی آمده است.

جدول ۱. انواع قلمرو براساس ماهیت دسته‌بندی

پژوهشگر	دسته‌بندی ارائه‌شده از انواع قلمرو			ماهیت دسته‌بندی	
داکلاس پورتیوس (۱۹۷۷)	فضای شخصی	فضای متکی به خانه	فضای ددرسترس خانه	مقیاسی / سلسله‌مراتبی	
لایمن و اسکات (۱۹۷۲)	قلمرو خانه		قلمرو تعاملی	مفهومی	
الکساندر و چرمایف (۱۹۶۳)	فضاهای خصوصی افراد	فضاهای خصوصی یک خانواده	فضاهای عمومی یک گروه	فضاهای عمومی شهر	سلسله‌مراتبی
حسین الشراوی (۱۹۷۹)	پیوسته	مرکزی	حامی	پیرامونی	مفهومی
آبروین آلمن (۱۹۷۵)	قلمرو اولیه	قلمرو ثانویه	قلمرو عمومی		مفهومی / سلسله‌مراتبی
سید حسین بحرینی و مایک بیدولف (۲۰۰۷)	فضای خصوصی	فضای نیمه‌خصوصی	فضای عمومی	فضای عمومی	سلسله‌مراتبی
محمود توسلی (۱۳۶۹)	قلمرو یک واحد مسکونی	قلمرو چندین واحد مسکونی	قلمرو یک واحد محله‌ای		مقیاسی

منبع: عینی‌فر و فلاح، ۱۳۹۷

براساس رویکرد مورد نظر پژوهش و با توجه به دسته‌بندی ارائه‌شده از صاحب‌نظران مختلف، می‌توان انواع قلمروها را از لحاظ ماهیت‌های گوناگون از جمله مفهوم، مقیاس و سلسله‌مراتب دسترسی به قلمرو، در سه دسته کلی به‌طور خلاصه جای داد که در شکل ۱ قابل مشاهده است.

قلمرو خصوصی (اولیه، مرکزی): تحت مالکیت و استفاده انحصاری فرد یا گروه خاصی است و نظارت بر ورود دیگران در آن ارزش بسیاری دارد.

قلمرو نیمه عمومی-نیمه خصوصی (ثانویه، حامی): کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و محدوده‌ای است که فرد یا گروه بر آن حق نظارت و مالکیت دارد، البته نه به اندازه قلمرو اولیه.

قلمرو عمومی (پیرامونی): قلمرویی موقتی است و تقریباً هرکسی به آن دسترسی و حق استفاده دارد.

انواع کلی قلمروها
(طبق تعاریف
صاحب‌نظران)

شکل ۱. انواع قلمرو به‌طور کلی

منبع: نگارندگان

عوامل و مفاهیم تأثیرگذار در رفتار قلمروی: رعایت فضای شخصی و وجود قلمروگرایی سبب ایجاد حس خلوت و متعاقباً تسهیل تعامل اجتماعی می‌شود. در واقع یکی از عملکردهای اصلی رفتار قلمروخواهی در انسان، حفظ و تنظیم خلوت‌گزینی و داشتن جایی است که فرد در آن خلوت کند و بر فعالیت‌هایش کنترل داشته باشد. عوامل گوناگونی در میزان نیاز به قلمروهای فردی به‌منظور رسیدن به درجات گوناگون خلوت تأثیرگذار هستند که عمده این عوامل به شرح ذیل‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴):

عوامل فرهنگی: رفتارهای ناشی از قلمروطلبی دارای گرایش‌های فرهنگی هستند؛ بنابراین قلمرو را باید در حیطه فرهنگی، روابط اجتماعی و آداب‌ورسوم خاص بررسی کرد. راپوپورت^۱ (۱۹۷۷) بر این باور است که در دید افراد به خلوت، تفاوت‌های اساسی فرهنگی وجود دارد (همان).

عامل سن: با توجه به فواید خلوت، افراد در سنین مختلف به سطح متفاوتی از خلوت و متعاقباً قلمروهای فردی نیاز دارند. نوجوانان بیشترین تمایل به داشتن قلمروهای فردی را دارند؛ درحالی‌که کودکان و سالمندان به‌علت وابستگی به دیگران برای تأمین نیازهای جسمانی خود، نسبت به دیگر گروه‌های سنی نیاز کمتری به خلوت و قلمروهای فردی احساس می‌کنند. کودکان در سنین رشد، هنگام گفت‌وگو با کودکان همسن خود، فاصله فیزیکی کمتری را با بچه‌های بزرگ‌تر رعایت می‌کنند (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۳۰).

ویژگی‌های شخصیتی: انسان با ویژگی‌های شخصیتی گوناگون، ارزش‌هایی را به‌عنوان معیار انتخاب می‌کند. این ارزش‌ها خوی و خلقیات او را شکل می‌دهند و در نتیجه نوعی از خلوت را برای او تعریف می‌کنند. به‌نظر می‌رسد اشخاص برون‌گرا نسبت به اشخاص درون‌گرا به‌علت اینکه تمایل بیشتری برای حضور در جمع دارند، به فضاهای خصوصی کمتری نیازمندند و در صورت وجود چنین فضاهایی، زمان کمتری را در آن می‌گذرانند. البته در مطالعه دیگری این ویژگی با رابطه‌ای معکوس بیان شده است (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۷۶). مؤلفه‌های گوناگونی در شخصیت قابل‌بیان‌اند که چگونگی آن‌ها در نیاز به قلمروخواهی انسان مؤثر است.

عامل جنسیت: جنسیت افراد در تعیین میزان خلوت مورد نیاز آن‌ها تأثیرگذار است. مردان و زنان، در حالات و روحیات و احساسات با هم تفاوت‌های روشنی دارند. مطالعات مدونی در این خصوص انجام نپذیرفته، اما استنباط از سایر موضوعات، حکایت از تمایل بیشتر زنان بر داشتن قلمروهای فردی نسبت به مردان دارد. عامل جنسیت بیشترین تأثیر را در طراحی فواصل فضایی داشته است. براین‌اساس فواصل فضایی در بین جنس‌های یکسان کمتر و در بین جنس‌های مخالف بیشتر بوده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶).

رفتار قلمروی زنان: همان‌طور که عنوان شد، جنسیت یکی از عوامل تأثیرگذار در رفتار قلمروی

1. Rapoport, A.

است. در این پژوهش، با در نظر گرفتن این عامل به طور خاص به بررسی رفتار قلمروی زنان پرداخته شده است.

زنان دارای خصوصیات، نیازها و نگرش‌های متفاوت با مردان هستند که در ارتباط آن‌ها با فضا تأثیرگذار است و به رفتارهای محیطی متفاوتی منجر می‌شود. براساس مطالعات، درک و تصور زنان از محیط و نحوه ارتباط آن‌ها با محیط در مقایسه با مردان متفاوت است. همچنین زنان دارای نیازهای متفاوتی در ارتباط با محیط هستند که به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها بیشتر به علت نقش‌های اجتماعی مختلف باشد، نه تفاوت‌های زیست‌شناختی (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۶۱). روان‌شناسان در مورد تفاوت زن و مرد هردو عامل محیط و وراثت را سهم می‌دانند، اما به باور جامعه‌شناسان، تفاوت‌های زن و مرد معلول تفاوت رفتاری است که جامعه در مورد آنان پیش می‌گیرد. دو جنس در اساس با هم تفاوتی ندارند، بلکه اجتماع موجب می‌شود آن‌ها گرایش‌های متفاوتی پیدا کنند و به زمینه‌های مختلف و رفتارهای متفاوت سوق داده شوند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۳: ۳۳۳). در همه جای دنیا از آغاز تولد انتظار می‌رود دختران جور دیگری رفتار کنند و مسئولیت‌های متفاوتی را نسبت به پسران برعهده گیرند. با وجود تنوعی که در این تفاوت‌ها به دلایل فرهنگی، تاریخی، سن، طبقه اجتماعی و بسیاری شرایط دیگر وجود دارد، وجود تفاوت‌های جنسیتی جهانی است (روشن و همکاران، ۱۳۹۲).

از همان زمان کودکی دختران مجاب می‌شوند تا کمتر از پسران فعالیت‌های فیزیکی داشته باشند، بیشتر بترسند و کمتر کنجکاوی کنند. ایریس ماریون یونگ^۱ معتقد است زنان عموماً دچار محدودیت‌های اشغال فضا و تحرک کمتر در مشمولیت در فضا هستند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)؛ برای مثال، از آنجا که زنان در ترس مداوم از آزار بدنی به سر می‌برند، فضای شخصی کوچک‌تر از مردان دارند، موقعیت‌های شلوغ و پراسترس را کمتر از مردان انتخاب و محدوده‌های کوچک‌تری را نسبت به گروه‌های مردانه اشغال می‌کنند (Mozingo, 1989: 40). زنان بیشتر از مردان به استرس‌های محیطی و مزاحمت‌های شهری مثل سروصدا، شلوغی و کثیفی حساس‌اند. آن‌ها ترجیح می‌دهند در فضای شهری در معرض نمایش نباشند. به این علت که محدوده‌های روان‌شناختی یا شخصی آنان، در بعضی شرایط راحت‌تر مورد تجاوز قرار می‌گیرد (همان: ۴۳). طبق پژوهش‌های دیگر، افراد معمولاً فاصله بیشتری را با مردان می‌گیرند تا با زنان. به علاوه زنان در فاصله نزدیک‌تری با افراد مشابه به برقراری ارتباط دوسویه می‌پردازند و جفت‌های زن-زن فاصله کمتری نسبت به جفت‌های مرد-مرد ایجاد می‌کنند (Bell et al., 1996: 284). طبق نظر وایت^۲، زنان بیش از مردان از فضاهای نیمه‌خصوصی استقبال می‌کنند و در صورت وجود دو لبه موازی با خیابان، زنان ردیف دوم را برای نشستن انتخاب می‌کنند (Whyte, 1980: 18). برای زن‌ها تأمین

1. Young, I. M.

2. Whyte, W. H.

امنیت مخصوصاً به شکل نظارت و کنترل اجتماعی در قلمروها بسیار اهمیت دارد و زن‌ها نسبت به مردها خواهان ملموس بودن بیشتر مرزهای قلمرو و تعریف شدن مناسب قلمروها به واسطه طراحی هستند. همچنین زن‌ها فضاهای منعطف‌تری نسبت به مردها می‌خواهند. مردها نیز خواستار دید گسترده‌تر و اشراف بیشتری به مسیرهای حرکتی نسبت به زن‌ها در قلمروها هستند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹).

با توجه به مطالعات انجام شده، زنان فضاهای عمومی را ترجیح می‌دهند که امکان ارتباط دوستانه را برقرار و راحتی کاربران را تأمین می‌کنند و در عین حال تحت کنترل فضایی‌اند. شاید بتوان گفت زنان ممکن است در جست‌وجوی تجربه حیات‌پشتی (حیات‌خلوت) باشند (قرائی، ۱۳۹۱: ۳۹)؛ بنابراین الگوهای رفتاری متفاوت زنان و مردان در فضاهای شهری ناشی از نیازهای متفاوت آن‌ها است و توان جسمی و تمایزات روحی زنان و مردان، گونه‌های متفاوت طراحی را می‌طلبد (حبیبی و علی‌پور شجاعی، ۱۳۹۴: ۲۲).

قلمرو شبه‌خصوصی: در راستای تقسیم‌بندی انواع قلمروها می‌توان گفت جداسازی قلمروهای خصوصی و عمومی از یکدیگر مطلق نیست و نسبت به تعداد افراد، اندازه مکان و مدت تصرف آن متغیر است و به عبارت دیگر، به شرایط جامعه، فضا و زمان وابسته است. قلمروهای خصوصی و عمومی به جای دوگانگی مطلق، طیفی خاکستری را تشکیل می‌دهند. محدوده‌های آن‌ها به جای آنکه مقدس و طبیعی باشد، توسط جامعه شکل گرفته و قابل نفوذ است (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۸۷).

از طرفی با در نظر گرفتن مطالعات انجام شده درباره رفتارهای فضایی و قلمروی زنان و تجربه‌های زیسته و مشاهدات پژوهشگر می‌توان گفت زنان و مردان ویژگی‌های رفتاری و نیازهای متفاوتی در ارتباط با محیط دارند. با بررسی آن‌ها و در ارتباط با انواع قلمروها، به عنوان پیش فرض، به مفهومی به نام «قلمروهای شبه‌خصوصی» می‌رسیم که به نظر می‌رسد منطبق بر نیازها و رفتار قلمروی زنان است و در صورت وجود، به افزایش حضورپذیری فضا برای آنان کمک می‌کند.

مفهوم قلمروهای شبه‌خصوصی و ویژگی‌های آن را می‌توان نزدیک به قلمروهای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی دانست. اما با شباهت بیشتر به قلمروهای خصوصی و با داشتن اغلب ویژگی‌های آن و با توجه به بار معنایی این مفهوم، در اینجا مشخصاً با عنوان قلمروهای شبه‌خصوصی نام‌گذاری شده است. با مطالعه منابع تاریخی مشاهده می‌شود که از گذشته، قلمرو خصوصی به‌طور کلیشه‌ای همیشه متعلق به زنان بوده و در مقابل قلمرو عمومی قرار گرفته است (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)؛ آیا می‌توان در عصر حاضر و شرایط امروزی جامعه، چنین ویژگی‌هایی را در قالب قلمروهای شبه‌خصوصی در میان فضاهای عمومی مکان‌یابی کرد و به وجود آورد و بدین ترتیب موجب به وجود آمدن فضایی مناسب برای تعاملات و حضور بیشتر زنان در عرصه عمومی شد؟ قلمروهایی که کاملاً

خصوصی و جداسده از فضای عمومی نباشند، بلکه با دارا بودن اغلب ویژگی‌های قلمروهای خصوصی و با شباهت به آنان، ضمن قرارگیری در عرصه‌ای عمومی و تعامل با آن عمومیت کمتری داشته باشند.



شکل ۲. چارچوب نظری تحقیق

منبع: نگارندگان

۴. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. منظور از تحقیق کیفی هر نوع تحقیقی است که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده‌اند. زمانی پژوهش کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دانسته‌های اندکی در مورد مسئله مورد نظر وجود داشته باشد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷). به‌طور کلی هر پژوهش کیفی شامل سه جزء است: ۱. داده‌ها که از منابع متنوعی مانند مصاحبه، مشاهده و اسناد به دست می‌آیند؛ ۲. شیوه‌ها و روندهایی که برای تحلیل و سازمان‌دهی داده‌ها به کار می‌روند، مانند مفهوم‌پردازی و کاستن از حجم داده‌ها، تشکیل مقوله‌ها و برقرار کردن شبکه مفاهیم؛ و ۳. ارائه گزارش (حریری، ۱۳۹۰: ۵).

در این راستا، پس از جمع‌آوری و تدوین ادبیات تحقیق و با ارائه پیش فرض اولیه مبنی بر «ارائه مفهوم قلمرو شبیه خصوصی و تطابق رفتار قلمروی زنان با این قلمروها در فضاهای عمومی»، از مطالعات میدانی به منظور ارزیابی پیش فرض و تبیین نظریه تحقیق استفاده شد.

مطالعه رفتار قلمروی زنان با بررسی نظرات زنان در ارتباط با ترجیحات فضایی و رفتار قلمروی آن‌ها در فضاهای عمومی، با استفاده از ابزار مصاحبه به روش گفت‌وگوهای زمینه‌ای انجام گرفت تا شاخص‌ها و ویژگی‌های قلمروهای فضایی منطبق بر رفتار آن‌ها در فضاهای عمومی تدوین شود. در واقع مفهوم و پیش‌فرض ارائه‌شده، از دیدگاه جامعه‌مورد مطالعه (زنان) سنجیده می‌شود و ضمن دستیابی به مفاهیم و مقوله‌های مطابق با این مفهوم، مدلی برای تبیین رفتار قلمروی زنان مطرح می‌شود.

در تحقیق کیفی، نمونه‌گیری هدفمند به کار برده می‌شود. بدین معنی که واحدها به‌جای انتخاب تصادفی، با توجه به ویژگی‌های آن‌ها نسبت به پدیده مورد مطالعه انتخاب می‌شوند و در مورد اینکه چه کسانی باید مورد مشاهده یا مصاحبه قرار گیرند، تصمیماتی گرفته می‌شود (دلاور، ۱۳۸۹: ۳۱۱). به این ترتیب در این پژوهش، برای رسیدن به هدف مورد نظر و تبیین نظریه، مصاحبه با زنان دارای ویژگی‌های مختلف سنی، اعتقادی، فکری، فرهنگی و حتی با ملیت‌های مختلف (با یک نسبت متعادل) انجام گرفته است تا اثر این متغیرهای تأثیرگذار کنترل شود و طیف مختلف زنان فارغ از این متغیرها در قالب قشر زنان مورد توجه قرار گیرند. مصاحبه‌ها حول این بحث انجام شده است که در صورت ورودشان به فضایی عمومی مانند پارک، میدان، پیاده‌راه و... کجا را برای ماندن در فضا و استفاده از آن انتخاب می‌کنند؟ در انتخاب فضا به چه فاکتورهایی توجه می‌کنند و چه معیارهایی برایشان اهمیت دارد؟ و سؤالات کلی از این قبیل تا فضا برای گفت‌وگوهای زمینه‌ای مهیا شود.

به‌منظور تحکیم نتایج و گستره بیشتر پژوهش، از کشورهای دیگر نیز با تعدادی از زنان گفت‌وگوهایی انجام شد. در این راستا طی مذاکراتی با مرکز میراث ناملموس تهران (مرکز مطالعات منطقه‌ای پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس در آسیای غربی و مرکزی)، با ده کشور همسایه در حوزه فرهنگی ایران ارتباط گرفته شد و از آن‌ها برای مشارکت در گفت‌وگوهای زمینه‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که سؤالات پژوهش از طریق مرکز مذکور ارسال شد و پاسخ‌ها در یافته‌ها و تحلیل آن‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

با توجه به کیفی بودن روش تحقیق در این پژوهش نمی‌توان با محاسبات آماری گفت چه تعداد نمونه لازم است و براین اساس معیار اشباع نظری برای اتمام مصاحبه‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. در واقع نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات، هنگامی پایان می‌یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موردها حاصل شود (یعنی دیگر چیز جدیدی به‌دست نیاید) (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۰). پس با مواجهه محقق با پاسخ‌های تکراری، مصاحبه‌ها پایان می‌یابد. در این پژوهش در نهایت با انجام دادن ۴۵ مصاحبه و به شیوه اشباع نظری، نمونه‌گیری پایان یافت.

تحلیل داده‌ها در بستر نرم‌افزار Atlas.ti8 به‌صورت کدگذاری انجام گرفت و شامل مراحل

کدگذاری باز، محوری و گزینشی می‌شود. در مرحله اول، داده‌ها در قالب مفاهیم دسته‌بندی شدند. بدین معنی که یک عبارت، جمله یا پاراگراف جدا و سپس با نامی که معرف یک پدیده است شبیه‌سازی شد. این فرایند شامل بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی داده‌ها است و داده‌ها را در قالب مفاهیم می‌آورد (کدگذاری باز). در ادامه، کدهای استخراج‌شده چند بار دیگر با یکدیگر مقایسه و مفاهیم مشترک و هم‌پوشان تلفیق شدند تا در نهایت مقوله‌ها و فرایند اساسی مشخص و عناوین مناسب به آن‌ها داده شود. در حقیقت، با اتمام مفهوم‌سازی داده‌ها، مفاهیم مشابه در مقوله‌ای خاص گروه‌بندی شدند (کدگذاری محوری). پس از بررسی اولیه و در قالب کدگذاری گزینشی، بعد از بارها مطالعه و رفت‌وبرگشت‌هایی که میان داده‌ها، مفاهیم، کدها و مقوله‌ها صورت گرفت، یک مقوله بیش از همه در داده‌ها و مصاحبه‌ها نمایان شد. این مقوله که مقوله مرکزی یا هسته‌ای مطالعه حاضر است، به‌عنوان پدیده محوری در قلب مقوله‌های دیگر در الگوی پارادایم قرار گرفت و در قالب نظریه‌ای اساسی که تبیین‌کننده پدیده مورد مطالعه است ارائه شد.

۵. یافته‌های پژوهش

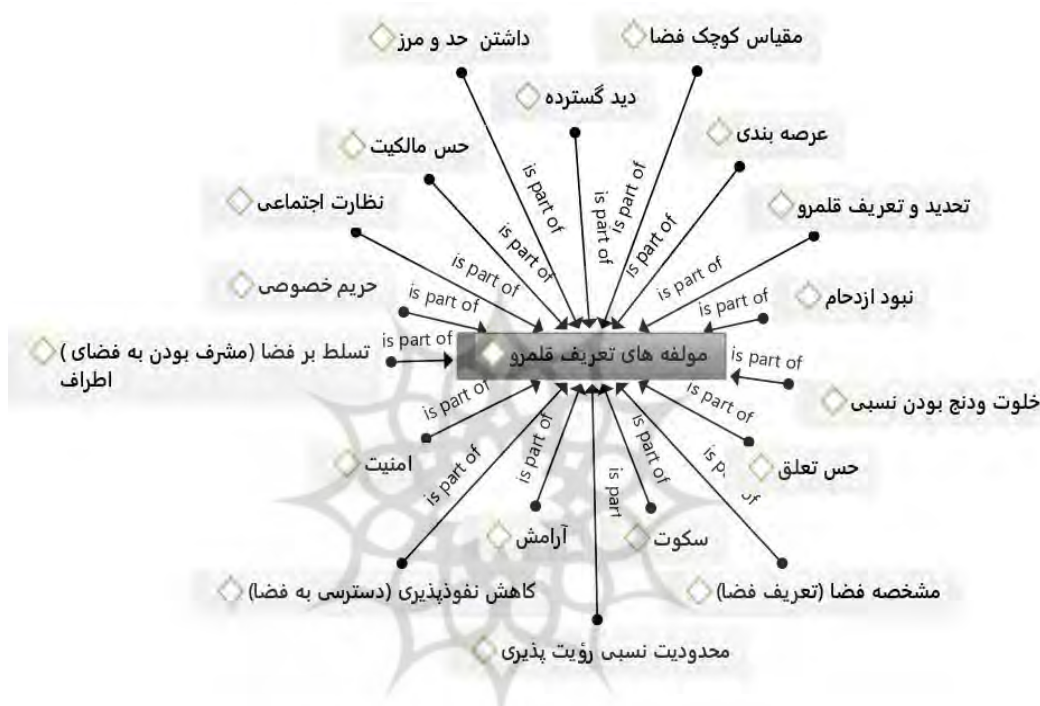
متن مصاحبه‌های انجام‌شده، به‌منظور تجزیه و تحلیل مکتوب شد و مفاهیم موجود در آن‌ها مشخص شد. با ادراک مفاهیم، عملیات کدگذاری آن‌ها انجام گرفت و تا جایی که مفهوم و کد جدیدی یافت نشود، ادامه یافت.^۱

پس از کدگذاری اولیه مصاحبه‌های پژوهش (کدگذاری باز)، مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های خاص دسته‌بندی شدند (کدگذاری محوری) و مقوله اساسی پژوهش در قلب مقوله‌های دیگر ارائه شد (کدگذاری گزینشی) که در ادامه به تشریح خروجی‌ها و کدها و مقوله‌های حاصل پرداخته می‌شود.

۱. دو مورد از مصاحبه‌های داخلی و خارجی و نمونه مفاهیم استخراج‌شده از آن‌ها برای کدگذاری اولیه در اینجا ارائه می‌شود: الهه (ایران): من اگر بخوام برم پارکی جایی، ترجیح می‌دم به قسمت دنجی رو انتخاب کنم یا مثلاً جایی که درخت داره. مخصوصاً آگه درخت‌های بلند داشته باشه که حالت مثلاً دالان درست کرده. صندلی‌ها مثلاً به جوری حالت حریم خصوصی رو بیشتر حفظ کرده... این طوری نباشه که صندلی‌ها وسط راه باشن، همه رد بشن. به فضای دایره‌ای طور یا نیم‌دایره‌ای باشه و اون قسمت بره داخل، صندلی‌ها اونجا باشن که به کم فضای حریم خصوصی رو بیشتر حفظ کنه... کلاً این جور مکان‌ها رو بیشتر می‌پسندم. کافه هم می‌رم، به جای دنج و سقف‌های کوتاه که حس امنیت رو بهم بده بیشتر دوست دارم تا فضایی که خیلی بزرگ و خیلی روشن و اینا باشه رو دوست ندارم...

لی‌لی (گرجستان): می‌تواند مکان محبوبی باشد که همه به آنجا می‌روند. البته من و دوستانم سعی می‌کنیم مکان امن و راحتی را برای جمع خود انتخاب کنیم. فکر می‌کنم تفلیس شهری بسیار امن است و نیازی نیست قبل از رفتن به فضای عمومی با دقت بیشتری برنامه‌ریزی کنیم. اما اگر اطلاعاتی درمورد آن نداشته باشیم، مکانی را انتخاب می‌کنیم که به مردم نزدیک باشد؛ یعنی جایی باشد که آدم‌هایی آن اطراف باشند؛ چون در غیر آن صورت امن نخواهد بود.

مقوله اول - مؤلفه‌های تعریف قلمرو: با توجه به کدگذاری باز انجام‌گرفته، مجموعه‌ای از کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها می‌توانند در قالب مؤلفه‌های تعریف قلمرو جای بگیرند؛ زیرا ویژگی‌هایی از فضا هستند که می‌توانند تعریف‌کننده قلمروی خاص و شاخص‌های آن باشند.



شکل ۳. کدگذاری محوری (مؤلفه‌های تعریف قلمرو)

جدول ۲. کدها و نمونه روایات مؤلفه‌های تعریف قلمرو

مقوله	کدها	مفاهیم (نمونه روایات)
مؤلفه‌های تعریف قلمرو	تحدید و تعریف قلمرو	به فضای دایره‌ای‌طور یا نیم‌دایره‌ای باشه و اون قسمت بره داخل
	داشتن حدود مرز	با مثلاً به فضای سبزی چیزی به کم محدود بشه
	حریم خصوصی	زیاد به افراد غریبه نزدیک نباشه
	عرصه‌بندی	از محل عبور و مرور افراد دیگه جدا شده باشه
	کاهش نفوذپذیری (دسترسی به فضا)	در معرض رفت‌وآمد مردم نباشه
	محدودیت نسبی رؤیت‌پذیری	از دید بقیه نسبتاً دور باشه
	خلوت و دنج بودن نسبی	نسبتاً خلوت باشه
	نبود ازدحام	خیلی شلوغ نباشه
	حس مالکیت	اختصاصی باشه

مقوله	کدها	مفاهیم (نمونه روایات)
مؤلفه‌های تعریف قلمرو	نظارت اجتماعی	خالی از جمعیت هم نباشه
	تسلط بر فضا (مشرف‌بودن به فضای اطراف)	احساس کنم به اطرافم مسلطم
	دید گسترده	دید خوب و وسیع
	مشخصه فضا (تعریف فضا)	کنار یه آبنمایی یا یه حوضچه‌ای باشه
	حس تعلق	پاتوقم بوده باشه
	سکوت	از سروصدا دور باشم
	آرامش	احساس راحتی کنم
	امنیت	فضا امن باشه
	مقیاس کوچک فضا	فضایی که خیلی بزرگ و خیلی روشن و اینا باشه رو دوست ندارم

مقوله دوم - مؤلفه‌های کیفیت قلمرو: تعداد دیگری از کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها با توجه به کدگذاری باز می‌توانند در قالب مؤلفه‌های کیفیت قلمرو جای بگیرند؛ زیرا بیان‌کننده ویژگی‌های کیفی از فضا هستند که در واقع می‌توانند معرف کیفیت قلمرو ایجادشده باشند.



شکل ۴. کدگذاری محوری (مؤلفه‌های کیفیت قلمرو)

جدول ۳. کدها و نمونه روایات مؤلفه‌های کیفیت قلمرو

مقوله	کدها	مفاهیم (نمونه روایات)
مؤلفه‌های کیفیت قلمرو	آسایش فیزیکی	جایی برای نشستن داشته باشه
	تمیزی	تمیزی و نظافت
	زیبایی و سرسبزی	سرسبز، قشنگ
	خاطره‌انگیزی	خاطره، یه سری خاطره‌های بدی دارم
	ویو مناسب و امکان رؤیت مناظر اطراف	به اطرافم نگاه می‌کنم دید خوبی داشته باشه

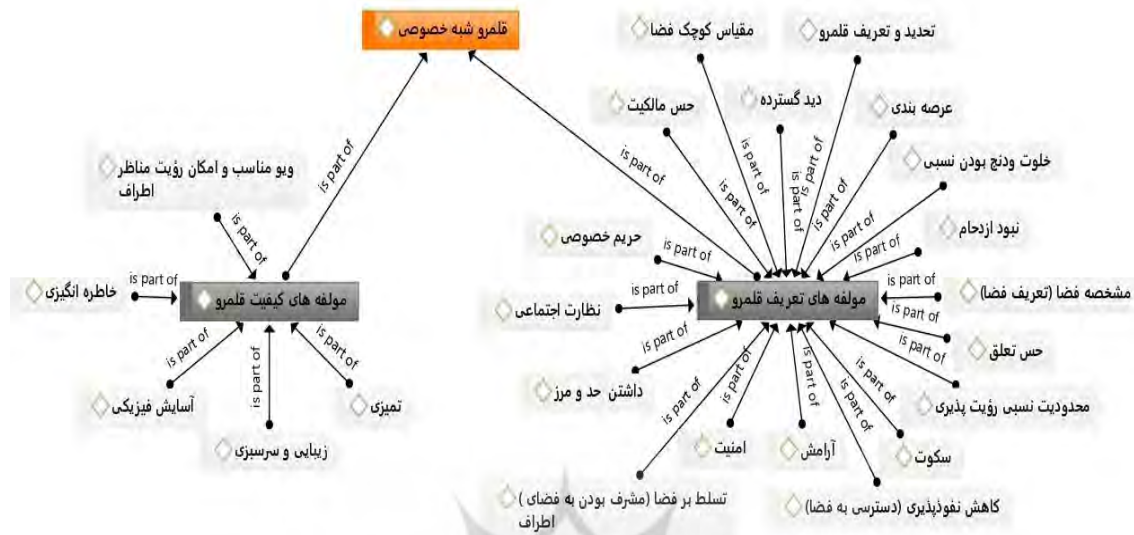
مقوله هسته‌ای - قلمرو شبه‌خصوصی: پس از بررسی ارتباط مفاهیم و مقوله‌ها با یکدیگر، نظریه‌ای اساسی با عنوان «قلمروهای شبه‌خصوصی» که تبیین‌کننده پدیده مورد مطالعه است، به عنوان پدیده محوری در قلب مقوله‌های دیگر در الگوی پارادایم قرار گرفته است. علت انتخاب این عنوان این است که مطابق با پیش‌فرض ارائه‌شده، پس از مطالعات نظری و مشاهدات پژوهشگر، همه مفاهیم و مقوله‌ها به نوعی به آن اشاره کرده‌اند و در میان انواع قلمروها معرف ویژگی‌های آن بوده‌اند. با توجه به شباهت آن به قلمروهای خصوصی و دارابودن اغلب ویژگی‌های آن و با توجه به بار معنایی این مفهوم مطابق با رفتارهای قلمروی زنان و هنجارهای اجتماعی پذیرفته‌شده مرتبط با آنان، از مفهوم «قلمروهای شبه‌خصوصی» به طور خاص استفاده شده است. می‌توان مشاهده کرد که وجود این قلمروها در فضاهای عمومی، مطابق با ترجیحات فضایی زنان و رفتار قلمروی آنان است. این قلمروها ویژگی‌هایی دارند که در کدگذاری محوری و مقوله‌بندی انجام‌گرفته قابل‌رؤیت هستند.



شکل ۵. کدگذاری گزینشی

شبکه کامل روابط میان کدها و مقوله‌های پژوهش: شبکه کامل روابط میان کدها و مقوله‌های پژوهش را در شکل ۶ می‌توان مشاهده کرد.

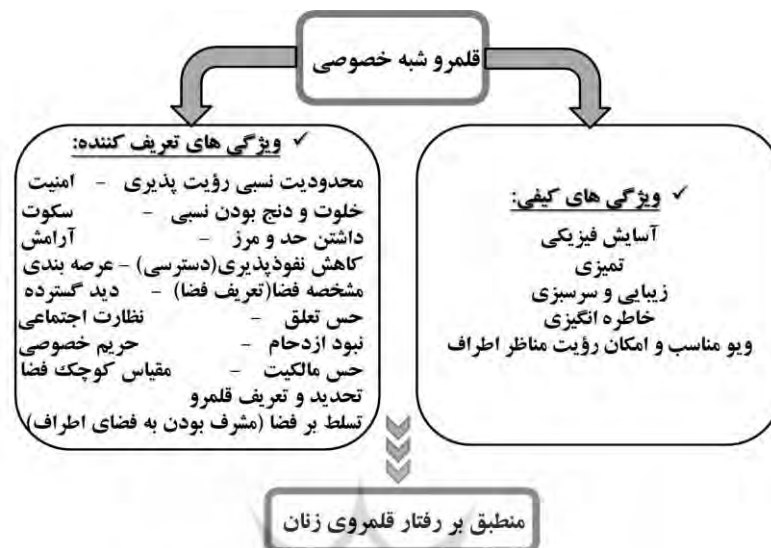
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۶. شبکه کامل روابط میان کدها و مقوله‌ها

۶. بحث

همان‌طور که مشاهده شد، طبق مطالعات پژوهش، قلمرو شبه‌خصوصی یکی از انواع قلمروها است که در بررسی‌های انجام‌گرفته منطبق با رفتار قلمروی زنان است. در کدگذاری محوری و مقوله‌بندی انجام‌شده، به ویژگی‌های این قلمروها اشاره شده است که تعدادی از آن‌ها تعریف‌کننده قلمرو و تعدادی دیگر بیانگر ویژگی‌های مربوط به کیفیت قلمرو هستند. در واقع، در این پژوهش با انجام‌دادن مطالعات میدانی به روش کیفی و فرایند کدگذاری داده‌ها و مقوله‌بندی آن‌ها به خصوصیات فضایی دست یافتیم که بیان‌کننده مفهوم اساسی پژوهش (قلمروهای شبه‌خصوصی) است. به‌طور کلی این ویژگی‌ها در شکل ۷ قابل‌مشاهده است. همچنین مشخص شده است که وجود چنین قلمروهایی با ویژگی‌هایی که برای آنان ذکر شده، مطابق با نیازها و رفتارهای قلمروی زنان است که در تشویق آن‌ها به انتخاب فضا و حضور در آن مؤثرند.



شکل ۷. نتیجه تحلیل یافته‌ها

در پی شناسایی قلمروهای شبه خصوصی، مقوله‌های «مؤلفه‌های تعریف کننده قلمرو» و «مؤلفه‌های کیفیت قلمرو» به عنوان ویژگی‌های مختلف پدیده حاضر شناخته شده‌اند. مؤلفه‌های تعریف کننده قلمرو، ویژگی‌های فضایی هستند که به تعریف یک قلمرو منجر می‌شوند، مانند تحدید و تعریف قلمرو، عرصه بندی، کاهش نفوذپذیری (دسترسی به فضا) و...؛ یعنی با در نظر گرفتن این شاخصه‌ها برای فضا می‌توان آن را در قالب یک قلمرو درک کرد که با توجه به ویژگی‌هایشان می‌توانند از نوع قلمرو شبه خصوصی باشند. مؤلفه‌های کیفیت قلمرو نیز بیانگر ویژگی‌هایی از فضا هستند که مرتبط با کیفیت و چگونگی قلمرو هستند، مانند آسایش فیزیکی، زیبایی و سرسبزی و تمیزی. در واقع این شاخص‌ها حاصل ترجیحات و توقعات زنان از ویژگی‌های کیفی فضا در ارتباط با قلمروها هستند؛ بنابراین قلمروهای شبه خصوصی با ویژگی‌های معرف آن و شاخص‌های کیفیتی خود، پیامد فضاهای ترجیحی و رفتار قلمروی زنانند که در صورت وقوع این پیامد، تعادل جنسیتی در فضاهای عمومی برقرار و در نهایت سبب رونق فضاهای عمومی و سرزندگی فضا می‌شود.

همان‌طور که از یافته‌ها و تحلیلشان حاصل شده است، مقوله‌های محوری و مقوله هسته‌ای پژوهش (قلمرو شبه خصوصی)، ابعاد مرتبط با سؤال اصلی پژوهش هستند که به تبیین شاخص‌های فضایی منطبق با رفتار قلمروی زنان می‌پردازند. نظریه پردازی بر اساس مقوله‌ها و تبیین رابطه میان آنان و نیز ارتباط آن‌ها با مقوله هسته‌ای صورت گرفته است و با تأکید بر درک نیازها و ویژگی‌های رفتاری زنان در فضاهای عمومی، این عوامل ارائه شده‌اند تا با رعایت این

شرایط به فضای عمومی ایدئال و بهره‌مند از تعادل جنسیتی دست یابیم. منظور از تعادل جنسیتی، رسیدن به نوعی فضا است که در آن، همه گروه‌های جنسیتی نیازهای خود را برطرف کنند. تجربه هر فرد در فضا بسته به عواملی چون سن، نژاد، طبقه و... متفاوت است. به این ترتیب تجربه‌ای یکدست و مشابه برای زن یا مرد وجود ندارد و فقط می‌توان از تجربه‌های متفاوت گروه‌های جنسیتی سخن گفت. از این‌رو همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در تبیین نظریه و در راستای هدف تحقیق، گروه زنان به‌طور کلی فارغ از سایر ویژگی‌های انسانی مانند سن، فرهنگ، ویژگی‌های شخصیتی و... در قالب قشر زنان دیده شدند تا با حذف این متغیرهای مداخله‌گر، رسیدن به نظریه مقدر شود، اما در راستای انجام تحقیق و پس از تحلیل گفت‌وگوهای انجام‌شده با زنان از طیف‌های مختلف، نکاتی درمورد این افتراقات در حوزه ویژگی‌های مختلف آنان مشاهده شد که در ادامه بیان می‌شود.

درمورد گروه‌های سنی متفاوت، این‌طور برداشت می‌شود که در نوجوانان و زنان جوان و حتی میانسال، هرچه سن کمتری داشته باشند، قلمرو شبه‌خصوصی را بیشتر ترجیح می‌دهند و بر ویژگی‌های این قلمروها با شدت بیشتری تأکید می‌کنند؛ درحالی‌که در زنان با سنین بالاتر این قضیه کم‌رنگ‌تر می‌شود.

درمورد اعتقادات فکری مختلف صاحب‌شوندگان، طیف مورد مصاحبه در دو گروه کلی از لحاظ تفکر قابل تقسیم‌اند. گروهی قائل به تفاوت‌های میان زن و مرد و پذیرش موضوع هستند؛ درحالی‌که گروه دیگر از ابتدا با موضع‌گیری در برابر بیان این تفاوت‌ها، اساساً با هرگونه مرزبندی بین زن و مرد و مسائل آن مخالفت می‌کردند. با تحلیل گفت‌وگوها دیده شده است که این گروه نیز در بطن صحبت‌هایشان به موضوع تحقیق باور دارند و با کدگذاری مصاحبه‌هایشان این امر اثبات شده است (البته با شدت کمتری نسبت به گروه اول). در اینجا باید گفت که در صورت قائل بودن به تفاوت‌ها نیز منشأ این تفاوت‌ها و علت به‌وجودآمدنشان محل اختلاف است. گروهی تفاوت‌های زن و مرد را بنیادین تصور می‌کنند (از منظر شناختی و روان‌شناختی) و عده‌ای از جمله تعدادی از فمینیست‌ها بر این باورند که تشویق‌ها و محرک‌ها در طول تاریخ و در جامعه تعیین‌کننده تفاوت رفتار زن و مرد است (حوزه رفتارگرایی). در این پژوهش، فارغ از درستی و نادرستی و یا منشأ تفاوت‌های میان زن و مرد، به مطالعه پدیده مورد بحث و اثبات وجود یا نبود آن در حال حاضر پرداخته شد.

دربارۀ اعتقادات مذهبی مختلف نیز می‌توان گفت در افراد مذهبی‌تر و همین‌طور جوامع مذهبی‌تر، ترجیح قلمرو شبه‌خصوصی و وجود شاخصه‌های آن در فضاهای عمومی با شدت بیشتری قابل مشاهده است و در نتیجه تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها در این افراد و جوامع بیشتر خواهد بود.

همچنین در دیدگاه‌های زنان با ملیت‌های مختلف که با آن‌ها مصاحبه شد، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که ناشی از ویژگی‌های رفتاری متفاوتی است که جامعه در قبال آنان پیش گرفته است. همچنین طرز فکر خانواده و جامعه به‌عنوان بستر رشد و تربیت آنان، در این نظرات متفاوت تأثیرگذار است. از طرفی برنامه‌ریزی و طراحی مکان‌های عمومی در کشورهای مختلف متفاوت است که این نیز روی توقعات، نیازها، تأمین آن‌ها و در نتیجه ویژگی‌های رفتاری زنان تأثیر می‌گذارد؛ برای مثال در کشورهایی که جامعه و فضاهای عمومی آن از امنیت مطلوبی برخوردارند (به علل فرهنگی و کالبدی)، نسبت به کشورهایی که این امتیاز را ندارند، شاخص امنیت و عوامل مربوط به آن در گفت‌وگوها کمرنگ‌تر می‌شود. البته همچنان (به علل بنیادی و رفتاری در خصوص قشر زنان) به بحث امنیت و فاکتورهای مربوط اشاره می‌شود، اما با شدت کمتر و توضیحات متفاوت در ارتباط با آن. در همین راستا، این بحث به‌طور کلی در مورد وجود قلمروهای شبه‌خصوصی و شاخص‌های آن نیز صدق می‌کند. در کل می‌توان گفت که این مفهوم (قلمروهای شبه‌خصوصی و تطابق آن با رفتار قلمروی زنان) دربارهٔ بنیاد قضیه صحبت می‌کند و ممکن است در اجرا و جزئیات ویژگی‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد. در کشورهای مختلف، اصل مقوله پابرجا و قابل تبیین است، اما شیوه‌های آن ممکن است متفاوت باشد.

نکته دیگری که در خلال انجام مصاحبه‌ها رؤیت شده این است که بیشتر زنان در جامعه مورد مطالعه اذعان کرده‌اند در صورت حضور به‌تنهایی در فضاهای عمومی، شاخص‌ها و معیارهای مینا برایشان پررنگ‌تر و با شدت بیشتری مطرح است؛ درحالی که در صورت مراجعه گروهی دو یا چند نفره این معیارها کمی کمرنگ‌تر می‌شود و خود این گروه از لحاظ معنایی منشأ شکل‌گیری قلمروی شبه‌خصوصی خواهد شد.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

عدم تناسب فضاهای عمومی با نیازها و ویژگی‌های رفتاری زنان (به‌ویژه رفتار قلمروی آنان) به نظر حضور آنان را در این فضاها محدود می‌سازد. زنان و مردان به علل متفاوت، به شیوه‌های مختلفی از فضا استفاده می‌کنند و تجربه‌های متفاوتی در فضا دارند. پس لازم است که جنسیت و مؤلفه‌های برگرفته از آن در طراحی و برنامه‌ریزی فضاها در نظر گرفته شود تا کاربران بهتر و باکیفیت‌تر با فضا ارتباط برقرار کنند و در آن حضور یابند.

پژوهش حاضر با شناخت رفتار قلمروی زنان به شناسایی مفهوم و مؤلفه‌های قلمرو شبه‌خصوصی در انطباق با آن می‌پردازد. در واقع به‌منظور رسیدن به این هدف، به ویژگی‌هایی در فضاهای عمومی دست یافتیم که به تقویت حضور زنان در فضاهای عمومی کمک می‌کنند. در این راستا، این پژوهش با مطالعهٔ پژوهش‌های پیشین آغاز شده و در ادامه با مصاحبه با زنان به‌عنوان جامعهٔ مورد مطالعه، اطلاعات کامل‌تری از موضوع به‌دست آمده است که در نهایت،

پژوهشگر موضوع را با تفکر در تجربه زیسته خود، از منظر خویش توصیف می‌کند. براساس تحلیل‌ها، بانوان در صورت وجود فضای قابل‌انتخاب، اغلب فضاهایی را برای حضور و ماندن انتخاب می‌کنند که خصوصیات مشابهی دارند. برخی از این ویژگی‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد: وجود جایگاه نشستن و حتی‌المقدور سایه، خلوت و دنج‌بودن نسبی، جداسازی نسبی فضا با حدودمرزهای بصری و غیربصری، عقب‌رفتن از مسیرهای حرکتی و تعریف قلمروی مشخص، کاهش میزان دسترسی به فضا نسبت به قلمرو عمومی و... این شاخص‌ها را با در نظر گرفتن بحث قلمروها و انواع آن می‌توان ویژگی‌های مفهومی به نام «قلمرو شبه‌خصوصی» دانست که متناظر با رفتار قلمروی زنان در فضاهای عمومی است و شرایط مورد نیاز برای حضور آنان را در فضا فراهم می‌کند؛ چرا که متناسب با نیازها و ویژگی‌های رفتاری زنان است؛ بنابراین در صورت وقوع این شرایط به‌عنوان شرایط اولیه فضایی، زنان ترغیب می‌شوند در فضا حضور پیدا کنند و با حضور آن‌ها فضا مناسب برقراری روابط و تعاملات اجتماعی می‌شود.

یکی از رویکردهای جدید برای تأمین رضایت و امنیت بیشتر زنان در فضاهای شهری، جداسازی زنان و مردان در فضاهای عمومی و در نظر گرفتن تسهیلات و خدمات اختصاصی برایشان در قالب فضاهای ویژه بانوان است. اگرچه ایجاد چنین فضاهایی می‌تواند به حضور بیشتر زنان در این فضاها و در نتیجه صرف زمان در خارج از خانه کمک کند، حضور زنان را در سایر فضاهای عمومی شهری کمرنگ‌تر می‌کند. از این نظر، برنامه‌ریزی و ایجاد فضاهای مخصوص زنان می‌تواند در ادامه دیدگاه جداسازی اندرونی و بیرونی باشد که در گذشته وجود داشته است، اما در حدودی وسیع‌تر از خانه و در مقیاس فضای شهر. به‌نظر می‌رسد این نگرش با وجود داشتن مزایایی برای زنان، پاسخ مناسبی به نیازهای اجتماعی زنان جامعه امروز نیست؛ بنابراین برای تأمین سلامت جسمی و روحی این گروه بزرگ اجتماعی، ایجاد بستری مناسب برای انواع فعالیت‌های انتخابی آن‌ها در فضاهای عمومی، راهکاری مناسب‌تر برای حضورشان در فضاهای عمومی است که در نهایت می‌تواند به ارتقای کیفی و افزایش سرزندگی فضاهای عمومی شهری بینجامد. در این پژوهش، بسترسازی مناسب برای حضور زنان در فضاهای عمومی، در قالب ایجاد قلمروهای شبه‌خصوصی پیشنهاد شده است که ویژگی‌های آن در جدول ۴ قابل مشاهده است.

جدول ۴. مدل مفهومی نهایی پژوهش

ویژگی‌های قلمروهای شبه‌خصوصی
- از خلوتی و دنج‌بودن نسبی به‌طور مطلوب برخوردار باشد.
- خالی از جمعیت نباشد؛ یعنی تحت نظارت اجتماعی محیط پیرامون قرار داشته باشد.
- میزان نفوذپذیری و دسترسی به آن، از قلمرو عمومی کمتر و از قلمرو خصوصی بیشتر باشد.

ویژگی‌های قلمروهای شبه‌خصوصی

- در میزان رؤیت‌پذیری، محدودیت نسبی داشته باشد.
- دارای حدود مرز نسبی باشد (البته بدون تفکیک جدی از فضاها اطراف).
- با عقب‌رفتگی نسبت به معبر، دارای یک قلمرو فضایی تعریف شده باشد.
- آرامش و امنیت بیشتری از قلمرو عمومی داشته باشد.
- از ازدحام جمعیت و شلوغی به دور باشد و در مکان‌های خلوت‌تر و ساکت‌تر جانمایی شود.
- نسبت به قلمرو عمومی، یک حریم خصوصی نسبی داشته باشد.
- با یک عرصه‌بندی قابل تشخیص، از فضاها اطراف به‌طور نسبی مجزا شده باشد و تا حدودی حس مالکیت به کاربر فضا بدهد.
- نسبت به قلمرو عمومی از یک مقیاس کوچک‌تر برخوردار باشد.
- به فضاها اطراف مشرف باشد و میزان تسلط بر فضا از قلمرو خصوصی کمتر و از قلمرو عمومی بیشتر باشد.
- فضا دارای تعریف کالبدی، فضایی و معنایی باشد (با داشتن مشخصه‌هایی مانند نیمکت، درخت، آب‌نما، المان و...).
- آسایش فیزیکی را در حد قابل قبول مهیا کند (با داشتن شرایطی نظیر جایگاه نشستن مناسب، سایه، تمیزی و...).
- دارای یک دید و منظر مطلوب در اطراف باشد.
- حس خاصی از مکان را در فضا تداعی کند و دارای کیفیت‌های خاطره‌انگیزی برای کاربران باشد.
- مانند قلمرو عمومی، امکان دید گسترده به اطراف در آن وجود داشته باشد.
- از لحاظ عناصر زیبایی‌شناسی از قلمرو عمومی کمتر نباشد.

منابع

- ارژمند، محمود و خانی، سمیه (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۲(۷)، ۲۱-۶۱.
- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی*. ترجمه بیوک محمدی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- انصاری، مجتبی، جمشیدی، سمانه و الماسی‌فر، نینا (۱۳۸۹). بررسی حس قلمرو و رفتار قلمروپایی در پارک‌های شهری (مطالعه موردی: پارک ساعی). *نشریه علمی-پژوهشی آرمان شهر*، ۳(۴)، ۳۳-۴۸.
- برنون، وحیده، براتی، ناصر و شاهچراغی، آزاده (۱۳۹۵). تعریف قلمرو محلات: تحلیلی مفهومی با تأکید بر ابعاد روانی-ادراکی و ارائه مدل مفهومی. *نشریه مدیریت شهری*، ۱۵(۴۲)، ۳۱۳-۳۲۶.
- پاکزاد، جهان‌شاه و بزرگ، حمیده (۱۳۹۳). *الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان*. چاپ دوم. تهران: آرمان شهر.
- پورحسین روشن، حمید و علی‌اکبری، هنگامه (۱۳۹۹). *زنان، انقیاد قدرت، شهر: راهنمای طراحی فضاها شهری برای زنان*. تهران: چهاردخت.
- تمدن، رویا (۱۳۸۷). زنان و فضاها شهری. *جستارهای شهرسازی*، ۷(۲۴-۲۵)، ۲۰-۲۳.
- جم، فاطمه و محمدی، فاطمه (۱۳۹۶). امنیت زنان و قلمروگرایی در محل‌های سنتی. *هفت شهر*، ۴(۵۷) و ۵۸، ۱۷۵-۱۸۵.
- حبیبی، میترا و علی‌پور شجاعی، فرشته (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی فضاها عمومی ویژه زنان با فضاها

- عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان (نمونه موردی: پارک آب‌و‌آتش و بوستان بهشت مادران تهران). نشریه هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)، ۲۰(۱)، ۱۷-۳۰.
- حریری، نجلا (۱۳۹۰). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. چاپ دوم. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- حسینی، اکرم، جعفرزاده، تکتم و رهبان، فهیمه (۱۳۹۵). تدوین دستور زبان طراحی قلمروهای فضایی مسکن به‌منظور بهبود تعامل اعضای خانواده. مسکن و محیط روستا، ۳۵(۱۵۴)، ۴۱-۵۸.
- خرمی‌روز، ریحانه، فلامکی، محمدمنصور و نوروز برازجانی، ویدا (۱۳۹۹). خوانش مؤلفه‌های جنسیتی در طراحی مراکز خرید شهر تهران (مطالعه موردی: مرکز خرید پالادیوم، مرکز خرید کوروش، مرکز خرید تیراژه ۲، پاساژ کویتی‌های رضا). هویت شهر، ۱۴(۳)، ۶۱-۷۴.
- دلاور، علی (۱۳۸۹). روش‌شناسی کیفی. فصلنامه راهبرد، ۱۸(۱)، ۳۰۷-۳۲۹.
- رضازاده، راضیه و محمدی، مریم (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری. هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)، ۱(۳۸)، ۱۰۵-۱۱۴.
- روشن، شقایق، مدی، حسین و کتابچی، عماد (۱۳۹۲). بررسی نقش کیفیت فضاهای شهری بر حضور زنان در فضاهای عمومی (مورد مطالعه: پارک‌های شهری شیراز). نخستین همایش زن، معماری و شهر، ۷ و ۸ اسفند ۱۳۹۲، مرکز همایش‌های بین‌المللی رایزن.
- شهبازی، یاسر، بلالی اسکویی، آریتا و شهابی، الهام (۱۳۹۶). سنجش مفهوم قلمرو مطلوب در فضاهای همگانی شهری (مطالعه موردی: پل طبیعت تهران). نشریه مطالعات شهری، ۶(۲۴)، ۶۷-۸۰.
- عینی‌فر، علیرضا و آقالطیفی، آزاده (۱۳۹۰). مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی، مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران. هنرهای زیبا، ۳(۴۷)، ۱۷-۲۸.
- عینی‌فر، علیرضا و فلاح، الهام (۱۳۹۷). قلمرو در مسکن حاشیه کویبری ایران (مطالعه موردی: محدوده قلمروها در مسکن سه دوره شهر عقدا). مسکن و محیط روستا، ۳۷(۱۶۱)، ۴۵-۶۰.
- عینی‌فر، علیرضا، آقالطیفی، آزاده و حیاتی، زینب (۱۳۹۹). سیر تحول قلمروهای ثانویه در درون خانه‌های دزفول. صفا، ۳۰(۴)، ۲۷-۴۸.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.
- قرائی، فریبا (۱۳۹۱). شناسایی عوامل کیفیت محیط با تکیه بر ویژگی‌های کالبدی و زیبایی‌شناختی و تأثیر آن بر حضور زنان در فضاهای عمومی شهر. مقاله‌های اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۱-۶۸.
- لحج، رفیعه و موسوی، میرسعید (۱۳۹۷). نگرش روان‌شناختی به نقش جنسیت در قابلیت‌های ادراک فضای معماری. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۱(۲۳)، ۸۵-۹۴.
- لنگ، جان (۱۳۹۸). آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی‌فر. چاپ یازدهم. تهران: دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی و مکانی. ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

مدنی پور، علی (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه فرشاد نوریان. تهران: دانشگاه تهران.

- Altman, I. (1975). *Environment and social behavior: privacy, personal space, territory, and crowding*. Monterey: Brooks/Cole.
- Beebejaun, Y. (2017). Gender, urban space and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334.
<http://dx.doi.org/10.1080/07352166.2016.1255526>
- Bell, P. A., Greene, T. C., Fisher, J. D., & Baum, A. S. (1996). *Environmental psychology* (4th ed.). Fort Worth: Harcourt Brace College Publishers.
- Fenster, T. (2005). The right to the gendered city: Different formations of belonging in everyday life. *Journal of Gender Studies*, 14(3), 217-231.
<http://dx.doi.org/10.1080/09589230500264109>
- Lawson, B. (2002). *The language of space*. London: Butter-Worth-Heinemann.
- Mozingo, L. (1989). Women and Downtown open spaces. *Places*, 6(1), 38-47.
- Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urban spaces*. Washington D.C.: The Conservation.